

6734

۱۳۵۹

۱

۴۱۶

مستطرا المهدی (ع)

دیوانِ کُمپانی

کلیات دیوان اشعار فارسی
آیت الله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی رحمته الله علیه

مقدمه و تصحیح:

دکتر عباس احمدی



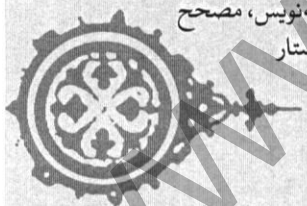
انتشارات ارباب اندیشه



WWW.NLIAB.IR

فهرست نویسی پیش از انتشار کتاب کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرسناسه: اصفهانی، محمدحسین، ۱۲۵۷ - ۱۳۲۰.
عنوان و نام پدیدآور: دیوان کمپانی: در مدح و منقبت و رثای اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام
شامل: قصاید... / [محمدحسین اصفهانی غروی]؛ مقدمه و تصحیح عباس احمدی؛
ویراستار: محمدمقداد عطائی.
مشخصات نشر: قم: ارباب اندیشه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۴۱۶ ص؛ ۱۴×۲۱/۵ س. م.
شابک: ISBN: 978-600-94803-4-0
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: بالایی عنوان: کلیات دیوان اشعار فارسی آیت الله حاج شیخ
محمدحسین غروی اصفهانی رحمته الله.
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: شعر مذهبی فارسی -- ایران -- قرن ۱۴
شناسه افزوده: احمدی، عباس، ۱۳۵۷ آذر -، مقدمه نویس، مصحح
شناسه افزوده: عطائی، محمدمقداد، ۱۳۵۷ -، ویراستار
رده بندی کنگره: PIR ۷۶۰۸ / ۵۹ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی: ۸ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۲۴۸۵۱



دیوان گلشن

کلیات دیوان اشعار فارسی
آیت الله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی رحمته الله

در مدح و منقبت و رثای
اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

شامل : قصاید، غزلیات، تراجیع، ترکیب بندها
و...

مقدمه و تصحیح: دکتر عباس احمدی



انتشارات ارباب اندیشه

عنوان کتاب: دیوان کمپانی (در مدح و منقبت و رئای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام)

شاعر: آیت الله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی معروف به علامه کمپانی

مقدمه و تصحیح: دکتر عباس احمدی

ویراستار: محمد مقداد عطائی

ناشر: ارباب اندیشه

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۷

چاپ: باران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

صفحه آرایی و طراح جلد: حسین سپهری

۹۱۷۴۳۳۳۵۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۰۳-۴-۰ ISBN: 978-600-94803-4-0

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مراکز فروش قم:

۱. کتابفروشی دارالقرآن الکریم: خیابان ارم - جنب مدرسه علمیه آیت الله

گلپایگانی علیه السلام. تلفن: ۳۷۷۰۳۰۷۶ (۰۲۵)

۲. کتابسرای مهدی: میدان مطهری - کوچه حائری - مقابل بیمارستان آیت الله

گلپایگانی علیه السلام. تلفن: ۳۶۶۱۴۹۷۰ (۰۲۵)

فروش اینترنتی کتاب: سایت «پاتوق کتاب فردا» به آدرس: www.bookroom.ir

ارتباط با انتشارات: E-mail: arbabeandisheh@gmail.com

مرکز پخش: ۹۱۲۷۵۴۴۶۹۷



۱۱	مقدمه
۲۵	تأیوشعراى پیشین بر علامه غروى
۳۳	ویژگیهای طبع حاضر
۳۵	نگاهی کوتاه به بلندای زندگانی آیت الله غروی اصفهانی
۳۷	آثار مکتوب
۳۷	آثار ادبی
۳۸	شاگردان استاد
۳۹	سیما و سیرت
۴۱	توضیحی درباره برخی قالبهای شعری به کار رفته در این دیوان

معصوم اول: حضرت رسول اکرم

۴۳	میلاد با سعادت حضرت خاتم النبیین
۴۸	مبعث حضرت سید المرسلین
۵۲	مدح حضرت رسول
۶۱	مدح حضرت رسول
۶۲	مرثیه حضرت سید المرسلین
۶۴	ذکر حدیث شریف کساء

معصوم دوم: حضرت امیرالمؤمنین علی

۶۷	ولادت حضرت امیرالمؤمنین
۷۷	میلادیه حضرت امیرالمؤمنین
۷۹	مدح حضرت امیرالمؤمنین علی
۸۲	مدح حضرت امیرالمؤمنین علی
۸۶	مصائب حضرت امیرالمؤمنین علی
۹۲	غدیریه در مدح حضرت امیر

معصوم سوم: حضرت فاطمه زهرا

۹۷	مدح و منقبت صدیقۀ طاهره حضرت فاطمه زهرا
۹۹	منقبت و مدح حضرت فاطمه زهرا
۱۰۲	مصائب حضرت فاطمه زهرا بعد از رسول اکرم

مصائب حضرت زهرا علیها السلام بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله ۱۵۴

معصوم چهارم: حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

مدح و منقبت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام ۱۱۳

مصائب حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام ۱۱۷

مصائب حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام ۱۱۸

معصوم پنجم: حضرت امام حسین علیه السلام

ولادت با سعادت حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۲۷

ورود اهل بیت اباعبدالله الحسین علیه السلام به سرزمین کربلا ۱۳۱

مصائب اباعبدالله الحسین علیه السلام و شهدای کربلا علیهم السلام ۱۳۳

مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۴۵

در ثنای امام حسین علیه السلام ۱۵۶

مرثیه حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۵۷

مرثیه حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۵۹

مصائب شب عاشورا و روز عاشورا ۱۶۰

نوحه حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۶۲

مصائب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ۱۶۳

مصائب اباعبدالله الحسین علیه السلام ۱۶۵

مصائب شب یازدهم و شام غریبان ۱۶۶

شب یازدهم و شام غریبان ۱۶۷

زبان حال رقیه خاتون دختر اباعبدالله علیه السلام ۱۶۹

مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۷۱

خطاب به امام عصر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه ۱۷۳

مدح و مرثیه مسلم بن عقیل علیه السلام ۱۷۷

مدح و منقبت و ثنای حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام ۱۷۹

مرثیه ابوالفضل العباس علیه السلام ۱۸۰

مرثیه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام ۱۸۱

زبان حال ام البنین مادر قمر بنی هاشم علیه السلام ۱۸۳

مدح و مصیبت علی اکبر علیه السلام ۱۸۵

مرثیه حضرت علی اکبر علیه السلام ۱۸۷

نوحه حضرت علی اکبر علیه السلام ۱۸۸

مرثیه حضرت علی اکبر علیه السلام ۱۹۰

نوحه مدح و مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام ۱۹۳

۱۹۷	زبان حال مادر حضرت علی اکبر علیه السلام
۱۹۸	زبان حال مادر حضرت علی اکبر علیه السلام
۱۹۹	زبان حال مادر حضرت علی اکبر علیه السلام
۲۰۰	همدردی با مادر حضرت علی اکبر علیه السلام
۲۰۲	زبان حال مادر علی اکبر علیه السلام
۲۰۳	زبان حال مادر حضرت علی اکبر علیه السلام
۲۰۵	مدح حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام
۲۰۶	مرثیه قاسم بن الحسن علیه السلام
۲۰۷	زبان حال مادر حضرت قاسم علیه السلام
۲۰۹	نوحه مصیبت قاسم بن الحسن علیه السلام
۲۱۱	نوحه حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام
۲۱۳	نوحه حضرت قاسم علیه السلام
۲۱۵	مصائب عبدالله بن حسن علیه السلام
۲۱۷	زبان حال مادر حضرت علی اصغر علیه السلام
۲۱۹	زبان حال مادر حضرت علی اصغر علیه السلام
۲۲۱	زبان حال مادر حضرت علی اصغر علیه السلام
۲۲۲	مدح و مرثیه عبدالله الرضیع (علی اصغر) علیه السلام
۲۲۵	مدح حضرت زینب کبری و مصائب آن مُخَدَّره علیه السلام
۲۲۶	زبان حال عقیله بنی هاشم علیه السلام
۲۲۹	زبان حال حضرت زینب کبری علیه السلام
۲۳۱	زبان حال حضرت زینب کبری علیه السلام
۲۳۲	نوحه وداع حضرت زینب علیه السلام با امام حسین علیه السلام
۲۳۴	زبان حال زینب کبری علیه السلام با برادر عزیزش
۲۳۵	زبان حال حضرت زینب علیه السلام با سر مبارک ابی عبدالله علیه السلام
۲۳۶	بازگشت اهل بیت علیهم السلام به سرزمین کربلا (در اربعین)
۲۳۷	ورود اهل بیت علیهم السلام به مدینه
معصوم ششم: حضرت امام سجاد علیه السلام	
۲۳۹	مصائب حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیه السلام
۲۴۱	نوحه مصیبت بیمار کربلا، امام سجاد علیه السلام
معصوم هفتم: حضرت امام محمد باقر علیه السلام	
۲۴۵	مدح حضرت امام محمد باقر علیه السلام

معصوم هشتم: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

مدح حضرت امام جعفر صادق علیه السلام	۲۴۷
مدح حضرت امام صادق علیه السلام	۲۵۰

معصوم نهم: حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

مدح امام موسی بن جعفر علیه السلام	۲۵۳
مصائب حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام	۲۵۵
مصائب حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام	۲۵۷

معصوم دهم: حضرت امام رضا علیه السلام

مدح امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام	۲۶۳
مدح حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام	۲۶۷
مرثیه حضرت امام رضا علیه السلام	۲۶۹

معصوم یازدهم: حضرت امام محمد تقی علیه السلام

مدح حضرت جواد، امام محمد تقی علیه السلام	۲۷۳
مدح حضرت امام محمد تقی علیه السلام	۲۷۶

معصوم دوازدهم: حضرت امام علی النقی علیه السلام

مدح حضرت امام علی النقی علیه السلام	۲۷۹
--	-----

معصوم سیزدهم: حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

مدح حضرت امام حسن عسکری علیه السلام	۲۸۱
--	-----

معصوم چهاردهم: حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام

ولادت با سعادت حضرت حجة ابن الحسن علیه السلام	۲۸۵
میلادیه حضرت ولی عصر علیه السلام	۲۸۸
مدح حضرت حجت صاحب الزمان علیه السلام	۲۹۲
استغاثه به حضرت صاحب الزمان علیه السلام	۲۹۵
مدح حضرت ولی عصر علیه السلام	۲۹۷
مدح حضرت حجت علیه السلام	۳۰۰
خطاب به حضرت حجت علیه السلام	۳۰۳
در طلب دیدار حضرت ولی عصر علیه السلام	۳۲۴
غزلیات خطاب به محضر امام زمان علیه السلام	۳۲۷
واژه نامه	۴۰۶

از «مفتقر» ناچیز، این نظم عبیر آمیز
نَبُودَ عجب ار باشد، از روح قُدس مُلهم

اسلام، مؤید و پذیرای هنر و شعر متعهدی است که در خدمت مکارم اخلاقی و ارزشهای معنوی به کار گرفته شود و انسان را به سوی کمال الهی، راهبر گردد. خداوند متعال در قرآن کریم در تأیید شاعران مسئول، با بیان «... الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و ذکرُوا الله کثراً...»^۱، حساب آنان را از شعرای گمراه و گمراه‌پرور «و الشعراء يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ...»^۲ جدا فرموده است.

به تعبیر گوهر شبچراغ نیشابور، فریدالدین عطار:

شعر و شرع و عرش از هم خاستند تا دو عالم زین سه حرف آراستند
آن که او بُد سرور پیغمبران گفت در زیر زبان شاعران
هست حق را گنج‌های بی‌شمار سزاین یک می‌نداند از هزار

آری پیامبر اکرم ﷺ با این‌گونه ستایشها که «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِکْمَةٍ» و «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَیَسْحَرًا»^۳ و یا «إِنَّ لِلَّهِ کُنُوزًا تَحْتَ الْعَرْشِ، مَفَاتِيحُهَا أَلْسِنَةُ الشُّعْرَاءِ»، مقام شعرای حق‌گو و ظلم‌ستیز را تا بدان پایه بالا می‌برد که کلید گنج‌های عرش الهی را زیر زبان این طایفه می‌داند.

۱. آیات ۲۲۴ تا ۲۲۷ سوره مبارکه شعراء.

۲. همان.

۳. مولانا در این معنی آورده:

سجراً و حق گفت آن خوش بهلوان
مایه تریاک باشد در بیان
کز همه اغراض نفسانی جداست

گفت پیغمبر که آن فی البیان
لیک سحری دفع سحر ساحران
آن بیان اولیاء و اصفیاء است

روایات و احادیث بسیاری در فضل و ثواب و مدح حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی و مراثی امام حسین علیه السلام وارد شده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جامهٔ خویش را بر دوش کعب بن زهیر افکند؛ شاعری که قصیده‌ای در مدح و فضیلت آن حضرت و در جهت نشر حماسه و اخلاق سروده بود. امام جعفر صادق علیه السلام در ایام حج در عرفات مردم را برای شنیدن قصاید سیاسی و متعهدانه کمیت بن زید اسدی فرا خواند.

دعبل خزاعی، در مقام امام علی بن موسی الرضا علیه السلام خطرناک‌ترین شعرهای سیاسی زمان را می‌سرود. و از این دست هنرمندان حقیقی که همواره دارِ کینهٔ دشمنان اسلام را بر دوش شجاعت خویش حمل می‌کردند؛ فرزق، منصور عزی، ابوالأسود دُثلی و حتی ام‌المؤمنین خدیجه، همسر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و بسیار شعرای متعهد و مبارز دیگر.

خدا محوری، آموزندگی، حقیقت‌جویی، تبلیغ ارزشهای معنوی و جهان بینی توحیدی، عشق به حق تعالی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، بازگو کردن دردهای جامعهٔ بشری، همه و همه از خصوصیات هنر و به طور خاص، شعرِ متعهد هستند.

البته نباید از اهمیت فرم و ساختار قوی یک اثر ادبی نیز در کنار مضمون والای آن، غافل شد؛ زیرا یک شعر متعهد، باید به ساختار خود نیز تعهد داشته باشد. در منظومهٔ بلند شعر و ادب پارسی نیز، نمونه‌های زیادی از این شاعران و هنری مردان و زنان متعهد و حق جوی، جاودانه شده‌اند. از جمله حکیم طوس، فردوسی، که خروش بندگی‌اش در گوش تاریخ ماناست:

منم بندهٔ اهل بیت نبی ستایندهٔ خاک پاک وصی
بر این زادم و هم بر این بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم
و نیز بزرگان دیگری چونان رابعه، بابا طاهر، ناصر خسرو، سنایی، نظامی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، فرخی یزدی، پروین اعتصامی و... که آثارشان را وقف

بشریت و ارزشهای عالی معنوی کرده‌اند.

و البته در مقابل، شاعران هنر فروشی هم بوده‌اند که با ساختن بهاریه‌ها و خُمَریه‌ها و قصاید مطمئن و سرشار از اغراق و دروغ، نقاب طمع به صورت شعر خود زده‌اند و به امید زرو سیم و مقام، نه آسمان را زیر پا نهاده‌اند تا بوسه بر رکابِ ننگین شاهان زرو زور زنند.^۱

به گفته کمال‌الدین اسماعیل:

هر لحظه زبان خود چو شمشیر کنی
وز مدح سگی را لقب شیر کنی
انبان دروغ را زبر و زیر کنی
تا این شکم گرسنه را سیر کنی
دربار سلاطین جبار غزنوی و سلجوقی و خوارزمشاهی و دیگر سلسله‌ها، پرورشگاه این نوع ادبیات بوده‌اند که البته جز نام زشت از آنها در تاریخ باقی نمانده است.

شعر علامه غروی اصفهانی البته از نوع اول است؛ شعری متعهدانه که از روی درد و عشق سروده شده، فریادی که از عمق جانی بی‌قرار برآمده و در پس کوچه‌های محبت معشوق ازی، طنین انداز گشته است و اگر مدح و ستایشی در اشعار اوست، به تمامی در مقام بزرگان دین و آیین اوست.

شعر علامه غروی، پیش از هر چیز و فارغ از هر گونه سبک و قالب و تکنیک، «شعر اهل بیت (علیهم‌السلام)» است. او تمامی هنر خویش را عاشقانه به پای این خاندان می‌ریزد تا بندگی عارفانه‌اش را اثبات کند:

«مفتقر»^۲ بنده درگاه ولایت شو و بس!

نیست در ملک حقیقت به از این درگاهی

۱. ظهیر فاریابی:

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای
تا بوسه بر رکابِ قزل ارسلان زُند

۲. مُفْتَقِر: تَخْلَص شاعر (آیت‌الله غروی اصفهانی) به معنای نیازمند، بینوا و مستمند.

و از این نظر شاید بتوان علامه را صاحب سبکی مخصوص خود دانست؛ چه در تاریخ ادب پارسی کمتر شاعری را توان یافت که به تمامی، دیوان خود را اختصاص به مدح و منقبت اهل بیت علیهم‌السلام داده باشد. دیوان "ابن حسام خوسفی" شاعر شیعی قرن نهم هجری از آن جمله است؛ اگرچه تکنیک و فخامت شعر ابن حسام درجه‌ای رفیع‌تر دارد.

اما از نظرگاه مرسوم و برپایه سبکهای تاریخی و ادوار شعر فارسی، سروده‌های علامه، قرابت بیشتری با «سبک عراقی» دارد، خاصه در مورد غزلیات، ترکیبات و ترجیعات او. در قصاید اما، بعضاً دنباله‌رو «سبک خراسانی» که دوره اعتلای قصاید فخیم بوده است، می‌باشد. البته این ویژگی‌ها از ملزومات و خصائص سبک قرن دوازدهم و سیزدهم هجری یعنی «دوره بازگشت» می‌باشد که سرایندگان را به تتبع و پیروی گویندگان قدیم کشانده بود.

صحبت در مورد خصوصیات شعری و تکنیکهای ادبی شعر «مفتقر» بحثی مفصل و در عین حال علمی را می‌طلبد که پرداختن به تمام زوایای آن از عهده این قلم ناتوان، خارج است. اما به طور کلی می‌توان به لحاظ مفاهیم داخلی و فرم بیرونی اشعار و ارتباط میان این دو به نکاتی هر چند کلی اشاره کرد.

اشاره به آیات مبارکه قرآن کریم و احادیث شریفه معصومین علیهم‌السلام، قصص قرآنی و حوادث تاریخی اسلام (صنعت تلمیع و تلمیح) نکته‌ای است که در سرتاسر این دیوان به چشم می‌آید، ترکیباتی همچون:

روح القدس، قلّه قاف، لوح و قلم، رفرف، دُلْدُل، لولاک، تاج لَعْمَرک، ماسوی، اُوْ
ادنی، قاب قَوْسین، کاف و نون، وادی بَطحی، نخله طور، من رآنی، زمزم، سلونی،
میقات، سینا، پور متی، باغ «فَاسْتَقِیم»، اصحاب کهف و رقیم، خیبر و احزاب، غدیر،
مسجد اقصی، باغ ارم، شَقُّ القمر، وامق و عذرا، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و

بسیاری دیگر از این دست ترکیب‌ها و نمادها.

«همچنین گونه‌ ویژه‌ای از آرایه‌ تلمیح نیز در شعر شیخ محمدحسین غروی اصفهانی جلب نظر می‌کند و آن الفاظ و تعابیری برگرفته از نام کتاب‌های فقهی و دینی است که گرچه مفهوم شعر با موضوع آن کتاب یا کتاب‌ها تناسبی ندارد، اما به نظر می‌رسد که آن واژه‌ها عمداً برگزیده شده باشند تا با گوشه‌ چشمی به نام آن کتاب، لطافت شعر فزونی گیرد. از آن جمله است:

بر فرق سپهر و فرقدانش خاک در توست «درة التاج»

یا:

«درة التاج» نبوت چو عقیق گل‌گون شده غلتان در خون

تا ز شه‌زاده‌ آزاده سرو افسر رفت از دم خنجر رفت

«درة التاج» اثر قطب الدین محمود شیرازی (متوفی به سال ۷۱۰ یا ۷۱۶ ق.) است.

علوم مصطفوی را لسان تو «تبیان» معارف علوی را بیان تو «کشاف»

«تبیان» - که نام کامل آن «التبیان فی تفسیر القرآن» است - تفسیر پُر آوازه‌ای از

مصحف شریف الهی، اثر شیخ الطائفة، طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰) است.

«کشاف» - که نام کامل آن «الکشاف عن حقیقة التّنزیل» است - تفسیر معروفی از

قرآن کریم، اثر ابوالقاسم جاراالله محمود زَمَخْشَری (۴۶۷ - ۵۳۸) می‌باشد.

شاه «اخوان صفا» ماه بنی هاشم اوست

شد در او صورت و معنی به حقیقت، هم‌دست

یا:

شاه «اخوان صفا» رفت ز اقلیم وجود با تن خون‌آلود

شمع ایوان وفا شد به شبستان عدم با دلی داغ از غم

«اخوان صفا» برگرفته از نام «رسائل اخوان الصفا» است. (پنج‌جاه و چهار رساله به

جا مانده از سده چهارم هجری).

یا قوت خونش کرد چون شاخ مرجان

سَمَ هَیونش کرد چون «دَر منثور»

«دَر منثور» برگرفته از نام تفسیر شناخته قرآن کریم: «الدُّر المنثور فی التَّفْسیرِ

المأثور» تألیف عبدالرحمان جلال الدین سیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱ ق.) است.

«لَمَعَات» طور تجلّی از لمعان روی تو جلوه ای

«جَدَوَات» وادی ایمن است ز جذبۀ تو حکایتی

«عَبَقَات» قدس ز بوستان معارف تو شمیمه ای

«نَفَحَات انس» ز داستان افاضۀ تو عنایتی

«لَمَعَات» اثر فخرالدین عراقی (متوفای ۶۸۸ ق.)، «جَدَوَات» اثر فارسی میرداماد

(متوفای ۱۰۴۰ ق.)، «عَبَقَات» برگرفته از نام «عَبَقَات الأنوار» اثر میر سیّد حامد حسین

موسوی نیشابوری هندی (متوفای ۱۳۰۶ ق.) و «نَفَحَات انس» برگرفته از نام

«نَفَحَات الأنس» اثر عبدالرحمان جامی (متوفای ۸۹۸ ق.) است.

لعلش اندر روح افزایی به از «عین الحیات»

سَرُوش از طوبی به رعنائی بسی افزون بود

«عین الحیات» کتابی در تفسیر قرآن اثر شیخ بهایی (درگذشته ۱۰۳۰ ق.) است.

همچنین نام چند تألیف دیگر است از مؤلفانی دیگر.

مرا ز دام هوئی و هوس رهایی بخش

که این «همای همایون» ز آشیانه توست

«همای همایون» برگرفته از نام «همای و همایون» اثر خواجوی کرمانی (متوفای

۷۵۳ ق.) است.

نظر لطف تو گیرنده تراز «خُلد برین»

شرر قهر تو سوزنده تراز نار جَحیم

«خُلد برین» یکی از مثنوی‌های مشهور و ارزشمند کمال‌الدین وحشی بافقی (درگذشته ۹۹۱ ق.) است.

در دیوان مفتقر تضمین‌های فراوانی از قرآن، حدیث، سخن‌گزیده بزرگان، اصطلاح و مثل به چشم می‌خورد. راجع به تضمین‌های قرآنی باید گفت که غالباً آیه یا بخشی از یک آیه در ضمن بیتی آمده است و گاهی با اندکی دگرگونی؛ مانند: تا که خِرگاه امامت شد در آنجا استوار

آسمان زد کوس «الْرَحْمَنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوَى»

یا این بیت:

صورت زیبای او یا طلعت «الله نور»

معنی والای او یا سر «لَمْ تَمْسَسْهُ نَار»

یا:

نسیم کوی تو «يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ زَمِيم»

شمیم بوی تو صد باغ روح و ریحان داشت

و یا:

ای یوسف حسن از رخ خود پرده مینداز

از بیم حسودان «فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا»

یا این بیت که حاوی آیه چهارمین سوره نجم است؛ با تغییر جزئی:

نفحه قدس بوی او، جذبه أنس خوی او

منطق او خبر ز «لَا يَنْطِقُ عَنْ هَوَى» کند

احادیثی هم که به عنوان تضمین در اشعار آمده اعم است از قدسی، نبوی،

علوی و جز آن‌ها؛ همچون این بیت:

گوش جان بگشا و بشنوا ز امین کردگار

«لَا فَتَى إِلَّا عَلَى لَا سِيف إِلَّا ذُو الْفَقَار»

یا این بیت:

مُفَرِّقِ طَوایِف و مؤلِّفِ شَتَاتِ شَد

مُفَرِّجِ مَخَاوِف و «سَفِينَةُ النَّجَاة» شَد

و یا:

دایره شهود را نقطه ملتقی بود

بل که سزد که دعوی «لَوْ كُشِفَ الْغِطَا» کند

از نمونه های تضمین سخن بزرگان نیز می توانیم به ابیات پایانی یکی از مراثی اشاره کنیم:

نام جوان - مادر گیتی - مبر
چون که دگر نیست جوانی مرا
«تَذَكِّرُنِي بِأَيُّوْتِ الْعَرِينِ»
«لَا تَدْعُونِي - وَيَكْ! - أُمُّ الْبَنِينِ»^۱

در واقع نوعی نمادگرایی (سمبولیسم) در اشعار علامه به کرات دیده می شود که در پشت هر واژه، معانی عمیقی نهفته است. واژگان و ترکیبات فقهی و فلسفی نیز بسامد بالایی در اشعار علامه دارند، فی المثل:

قضا و قدر، مشیت، شفاعت، فریضه، حادث و قدیم، ولایت، توحید، بسیط، مرکب، محیط، رضا، تسلیم، کثرت و وحدت، مسلسل، ذات مقدس، مبدأ، فیض و ...

در حقیقت علامه غروی از تخصص خود در علوم عقلی و نقلی به خوبی و به جا در آثار منظوم بهره می برد و این از ویژگیهای شعراست.

اما مفاهیم عرفانی و عاشقانه نیز در قالب واژگان و ترکیبات نمادین، در اشعار او فراوان استفاده شده اند و همانگونه که قبلاً اشاره شد مبین تأثیر سبک عراقی بر این اشعار است:

صهبا، حُم، عذار، شمع شبستان، بلبل، سماع، تجلی، لمعات، نفحات، واله و

شیدا، کمان ابرو، غمزه، فراق، پروانه، طَزه مو، صُراحی، سبو، خال لب، پرگار، هاتف غیبی، توتیا، تجلی و....

پس می‌توان گفت که از خصوصیات سبکی شعر علامه، کاربرد فراوان ابیات، مصاریع و ترکیبات عربی در میان اشعار فارسی است که نشان از احاطه ایشان بر هر دو زبان شعری عربی و فارسی دارد.

برای نمونه در قصیده زیبایی که در منقبت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام سروده است، ترکیبات عربی زیر را که اشاره به احادیث و آیات قرآنی دارند، با مهارت به عنوان قوافی پر معنی در کنار قوافی فارسی به کار می‌گیرد:

نقطه تحت باء، لاینطق عن هوئ، لَوْ كَشَفَ الْغِطَاء، هَلْ أَتَى، ماسوئ، شیر لافتی.

شعر علامه به تناسب ویژگیهای شعر آن دوران، از زبانی روان، یکدست و نسبتاً ساده برخوردار است و این امر بیشتر در مرثیه‌ها و نوحه‌ها نمود دارد که مخاطب شناسی هوشمندانه شاعر و جدا و دور نبودن او از عموم جامعه را نشان می‌دهد. (بر خلاف بحران مخاطبی که در شعر شاعران به اصطلاح «آوانگارد» امروز به وجود آمده است.)

اما در قصاید شاعر که به اقتضای شعرای سبک خراسانی سروده شده، ترکیبات و واژگان دشوار و مهجور، بیشتر به نظر می‌آید. اتفاقاً این قصاید از قوی‌ترین و زیباترین آثار شاعر محسوب می‌شوند. مانند قصایدی که در مدح امام صادق علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام سروده است.

ارتباط عمودی بین ابیات و نیز ارتباط افقی بین مصاریع، ساختاری محکم به این قصاید بخشیده که به همراه حسن تعلیل و مفاهیم برجسته و عاطفی و استفاده از صنایع ادبی (مثل تشخیص) و نیز کاربرد عناصر رایج در قصاید پیشین،

مثل مفاهیم نجومی و اسامی سیارات و ستارگان، در کنار سبک خاص او که همانا استعمال ترکیبات عربی، روایی و قرآنی است، اشعاری زیبا و بدیع به وجود آورده است.

عنصر موسیقی و آهنگ کلام نیز نقش برجسته‌ای در اشعار علامه خصوصاً قصاید او دارد. به عنوان مثال در قصیده‌ای که در مدح حضرت زینب کبری علیها السلام سروده، به زیبایی از قافیه‌های کناری، درونی و معنوی بهره برده است:

اوست بانوی مطلق، در حرم سرای حق

بزم غیب را رونق، زآن جمال زیبا شد

ترکیبات و ترجیعات و نیز مسمط‌های شاعر نیز از نکات قوت کار او محسوب می‌شوند؛ از جمله ترکیب‌بندی که به استقبال از شعر معروف محتشم کاشانی سروده و از سلاست و قوت بالایی برخوردار است.

غزلیات علامه اکثراً متأثر از اشعار خواجه حافظ بوده و به تمامی، درد فراق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را منعکس می‌کنند. گویا شاعر می‌خواسته تا برای صحبت با معشوق خود از عاشقانه‌ترین قالب شعر فارسی؛ یعنی غزل بهره برد. البته به لحاظ فرم و ساختار، غزلیات شاعر، قدرت اشعار دیگر او را ندارند و غث و سمین در آنها هست.

انواع صنایع ادبی و آرایه‌های لفظی و معنوی در اشعار علامه به کرات و به گونه‌ای آگاهانه مورد استفاده قرار گرفته‌اند که پرداختن به همه انواع و امثله آن، در این مجال نگنجد؛ اما به جهت ناقص نماندن گفتار، به چند مثال پراکنده در این زمینه اکتفا می‌کنیم. تشبیهات، استعارات و کنایات به صور مختلف در این اشعار نمود یافته‌اند. برای نمونه در بیت زیر، تشبیه زیبایی ابروی دوست به ساغر، علاوه بر زیبایی معنایی، موسیقی ناشی از تکرار صامت «س» را باعث شده است:

مرا ز ساغرابرویت آنچنان شوری است

که بی تملق ساقی، خراب و سرمستم

و یاد بیت زیر، که در مورد بانوی دو عالم «حضرت زهرا علیها السلام» سروده شده، علاوه بر ایهام زیبایی که واژه فَضّه (کنیز حضرت زهرا علیها السلام و نیز به معنای نقره) داراست، وجود سه کلمه مس، طلا و نقره (فضّه) باعث ایجاد صنعت مراعات نظیر شده است و ضمناً تشبیه بلیغ ترکیب «مس وجود» نیز که برگرفته از شعر حافظ است در شعر خوب جا افتاده است:

مفتقرا متاب رواز در او به هیچ سو زآن که مس وجود را فضّه او طلا کند
در بیت زیر، نیز صنعت مراعات نظیر و استعمال واژگان متجانس و متناسب، رعایت شده است:

از رطب سوخته موسی چوز انگور، رضا

نخل و جدت ثمرش میوه گوناگون بود

موسی و رضا علیهما السلام و نیز نخل، رطب و انگور با هم تناسب و قرابت معنایی دارند. بیت دیگری نیز در مورد میوه‌ها و مراعات نظیر بین آنها دارد:

رویم از نرگس بیمار تو چون لیمو، زرد

به نگرده مگراز سیب زنخدان شما

به؛ علاوه بر نام میوه، به معنای بهتر نیز هست (ایهام).

صنعت جناس و انواع آن را علامه، فراوان در اشعارش به کار برده است؛ از جمله

«جناس تام» در بیت زیر، که سلیم دوم به معنای «مارگزیده» می باشد:

بی تابی عاشق بود از قلب سلیم زیرا که سلیم را قراری نبود

در بیت زیر، هر دو نوع جناس تام (روزی (یک روز) و روزی (قسمت)) و جناس

ناقص اختلافی (روزه و روزی) به کار رفته است:

نگیری روزه تا از آرزوهای جهان روزی نگرده مفتقر روزی تو را دیدار او روزی
نیز در بیت زیر، «بهشتی» دوّم به معنای «رها کرد» آمده که جناس تام با
«بهشتی» و جناس ناقص با «بهشت» دارد:
صحبت حور بهشتی باغ و گلشن چون بهشت

هر که این عشرت بهشتی بخت او وارون بُود

به کاربرد جناس ناقص حرکتی در بیت زیر نیز توجه کنید:

تُرک من تَرکِ حفا کن، ز من آموز وفا ورنه از کف بدهم خوی و به خوی توشوم
به طور کلی کاربرد جناس، علاوه بر زیبایی لفظی به موسیقی درونی ابیات نیز می افزاید.
نوع دیگر جناس، یعنی «جناس ناقص افزایشی» در مصراع زیر مشخص است.
به خُصْرَتِ خُطش از خُضر، جان و دل می بُرد...

خضرت به معنی سبزی و خُضر عليه السلام، نام پیامبر الهی است.

صنعت تضاد به دلیل قدرت تداعی و ایجاد تلاش ذهنی در مخاطب، باعث
زیبایی و لطافت کلام می شود که در بیت زیبایی که علامه در مقام امیرالمؤمنین
علی عليه السلام سروده به کار رفته است (کج و مستقیم):

مرا دل بهر آن شاهی دونیم است که از تیغ کجش دین، مستقیم است
و یا «لطف و قهر» در بیت زیر:

سرار ز لطف تواز فرق فرقدان بگذشت ولی ز قهر تو طرف کلاه نشکستم

«تضمین» غزل زیبای سعدی در قالب مسمط مخمّس در مقام حضرت زینب
کبری عليها السلام نیز از دیگر آرایه های معنوی است که شاعر به خوبی از عهده آن برآمده است.

اما به لحاظ زیبایی شناختی، ساختار منسجم و معنای عالی، بعضاً با ابیات
درخشانی در اشعار علامه مواجه می شویم که حیف است چندی از آنها را به زمزمه
ننشینیم:

شرح آن نقطه موهوم که نامش دهن است

وهم پنداشت که دارد نفس باد صبا

صحبت شیرین آن لب نمکین است

آنچه که شوریده ام نموده چو فرهاد

(خطاب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف)

این نیری که کرده به دریای خون غروب

وز شرق نیزه سرزده بیرون، حسین توست

ز قحط آب، لبی خشک ماند در لب دریا

که سلسبیل لبش بود، رشک چشمه کوثر

اما در یک نقد منصفانه، رسم بر این است که نقایص و کاستی‌های اثر را نیز یادآور شویم و این در مورد اشعار علامه، البته تنها در مورد ساختار و فرم شعرهاست؛ زیرا که در مورد مفاهیم بلند آن، صحبت نه در حد این حقیر است.

نکته‌ای که نباید دور از نظر داشت این است که آیت الله غروی را اساساً داعیه شعر و شاعری نبوده و با وجود توانایی و استعداد فراوان ادبی، با تواضعی ظریف، حریفان را این چنین به تحدی می‌طلبید، در مقابل پسند دوست:

حریفی گرزند حرفی ز نظم ناپسند من

ندارد «مفتقر» باکی، اگر باشد پسند تو

بعضی از اشعار این دیوان دارای اوزان عروضی مهجور و مغلقی هستند که شائبه ایراد وزنی را در صورت خوانش‌های متفاوت به ذهن متبادر می‌سازد و این شاید به دلیل تفکر شاعر در مورد کاربرد اوزان عربی بوده باشد.

به عنوان مثال در ترجیع بند بلندی که برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سروده، بعضاً با

چنین ابیاتی روبرو می‌شویم:

گر سینه شود سینا چه عجب گر جلوه کنی به میقاتم
... گر بنده خویشم گردانی بیزارم ز کشف و کراماتم
و یا وزن دشواری که در قصیده حضرت زهرا علیها السلام آورده است:

زد لیلی حُسنِ قَدم، در بزمِ حدوْث، قَدم

یا سینه سینا زد، از سرّ انا الله دم

... یا کلکِ عنایت کرد، طغرای وجود رقم

آن صُنع بدیع که شد، آرایش لوح و قلم

در مورد بعضی نوحه‌ها و مراثی که در قالب «مُستزاد» سروده شده نیز با وزن

یکدست و مشخص روبرو نیستیم. فی‌المثل در قطعه زبان حال مادر حضرت قاسم علیه السلام:

ای به قربان جانفشانی تو؛ عزیزمادر

شام شد صبح زندگانی تو؛ عزیزمادر

یک چمن لاله رفت و کرد داغم؛ ز غصّه و غم

یا گل ارغوانی تو؛ عزیزمادر

البته با خواندن این مراثی جانشوز می‌توان حالت علامه را در هنگام شرایش آنها

تصوّر کرد. گویا شاعر موسیقی جانشوزی را زیر لب زمزمه می‌کرده و همزمان این اشعار

اشک آلود را می‌سروده است و این مرحله‌ای است که شاعر، همچون مولانا حرف و

صوت و گفت را برهم می‌زند تا بی‌حجاب تکنیک و وزن و قافیه با معشوق دم‌زنه:

مفتقرا زده سودای توشوری بر سر ورنه در مرحله قافیه‌پردازی نیست

و یا:

ز گردش آسمان چه می‌گویم، که بسته دام مکر اویم

نه دل که راه قصد پویم، نه طبع را حالت تغزل

«نکته دیگری که راجع به این دیوان گفتنی به نظر می‌رسد اشعار مربوط به حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام است. شیخ محمدحسین غروی اصفهانی در این اشعار از تعبیر و الفاظی سودجسته که به قصه معروف عروسی آن جناب در کربلا و شب عاشورا دلالت می‌کند. این قصه - گرچه از شهرت بسزایی برخوردار است و ماهیتاً دستاویز و بهانه خوبی برای شاعر به شمار می‌آید تا پیرامون آن قلم‌فرسایی و حماسه‌سرایی کند - اما هیچ دلیل عقلی و نقلی موّجه و معتبری حاکی از تحقق این ماجرا وجود ندارد. بنا به قول مرحوم مرتضی مطهری، قصه عروسی حضرت قاسم علیه السلام نخستین بار در «روضة الشهداء» ی ملاحسین کاشفی (متوفای ۹۱۰ ق.) آمده است^۱ و در هیچیک از کتب تاریخ و تذکره و مقاتل متقدم از مقتل ابومخنف (قرن دوم) گرفته تا لاهوت سیدابن طاووس، مقتل خوارزمی، مناقب ابن شهر آشوب و مؤثیرالاحزان نجم الدین جلی - که همه تا پیش از سده دهم نگاشته شده‌اند - ذکری از این حکایت به میان نیامده است.»^۲

تأثیر شعرای پیشین بر علامه غروی:

علامه ادیب، غروی، در غزلسرایی بیش از هر شاعر دیگری به «خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی» التفات داشته و به نظر می‌رسد تعداد زیادی از غزلهای خویش را به استقبال از غزلهای آسمانی خواجه، در همان وزن و قافیه به سریر سُرایش نشانده است. در زیر تنها به چند نمونه به طور مقایسه‌ای اشاره می‌کنیم و خوانش غزلهای کامل را به خوانندگان توصیه می‌داریم:

۱. حماسه حسینی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷، ج ۳، صص ۲۷۲، ۲۵۵، ۲۸۳.

۲. دیوان مفتقر، به کوشش سعید هندی، ص ۵۳.

علامه غروی:

دلی که شیفته روی آن پری زاد است ز بند دیو طبیعت هم‌اره آزاد است
... به رنگ و بوی مشو عَژَه و بجویاری که حُسن صورت و معنی او خداداد است
حافظ:

بیا که قصرا مل سخت سُست بنیاد است

بیار باده که بنیاد عمر بر باد است ... حسد چه می‌بری ای سُست نظم بر حافظ
قبول خاطر و لطف سخن خداداد است علامه غروی:

مستِ صهبای تو در هر گذری نیست که نیست

زانکه سودای تو در هیچ سری نیست که نیست حافظ:

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست

مَثبت خاک درت بر بصری نیست که نیست علامه غروی:

سرِ غنچه در گریبان، دلِ لاله داغ دارد

زِ نوا و شور قُمری که به باغ و راغ دارد حافظ:

دلِ ما به دورِ رویت ز چمن فراغ دارد

که چو سرو پای بند است و چو لاله داغ دارد علامه غروی:

خسته‌ای را که دگر طاقت و قوَت نَبود

گرفتقُدد نکنی شرطِ مرَوّت نبود

حافظ:

خستگان را چو طلب باشد و قوت نبود
گرتو بیدار کنی شرط مروت نبود

علامه غروی:

گاهی به کعبه جانان سفر توانی کرد
که در منای وفاترک سرتوانی کرد
حافظ:

به سَر جام جم آنکه نظر توانی کرد
که خاک میکده کُحل بصرتوانی کرد
علامه غروی:

سینه تنگم مجال آه ندارد
جان به هوای لب است و راه ندارد
حافظ:

روشنی طلعت تو ماه ندارد
پیش تو گل رونق گیاه ندارد
علامه غروی:

ای از خط تو سبزلب جویبار عمر
وز غنچه تو خرم و خندان بهار عمر
حافظ:

ای خرم از فروغ رخت، لاله زار عمر
باز آ که ریخت بی گل رویت بهار عمر

علامه غروی:

چون خم عشق ازل تا به ابد می جوشم
باده خانگی از خون جگر می نوشم

حافظ:

من که از آتش دل چون خم می در جوشم
مهر بر لب زده خون می خورم و خاموشم

علامه غروی:

تا چند باشی از ما گریزان ما در قفایت، افتان و خیزان
حافظ:

چندان که گفتم، غم با طیبیان درمان نکردند مسکین غریبان
علامه غروی:

ای شاهدِ عالم سوز در حُسن و دل آرای

وی شمع جهان افروز در جلوه و زیبایی

... ما سوخته هجریم، افروخته هجریم

آموخته هجریم، با صبر و شکیبایی

حافظ:

ای پادشه خوبان، داد از غم تنهایی

دل بی توبه جان آمد، وقت است که باز آیی

مشتاقی و مهجوری، دور از تو چنانم کرد

کز دست بخواهد شد، پایان شکیبایی

عجل الله تعالی فرجه الشریف

بسیاری بر این اعتقادند که خواجه، این غزل را در هجران امام عصر

سروده است، حال آنکه علامه غروی تمامی غزلیات که حتی تمامی عمر پربرکت

خویش را بردفتر انتظار حضرت موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش کرده است.

اما با مقایسه غزلیات علامه غروی با آثار سایر شعراء نیز می توان تأثیر پذیرفتن

علامه از اشعار شعرای متقدم را حدس زد که به عنوان نمونه، ابیات زیر را می آوریم.

هر چند ممکن است این حدس کاملاً منطبق بر واقعیت نباشد:

علامه غروی:

صبحِ ازل از مشرقِ حُسنِ تو دمیده است

تا شامِ ابد پرده خورشید دریده است

عطار نیشابوری:

بس کز جگرِم خون دگر گونه چکیده است
تا دست به کام دلِ خویشم برسیده است

علامه غروی:

کعبه کوی تو رشک خلد برین است
قبله روی تو آفتِ دل و دین است

فروغی بسطامی:

حور تویی، بوستان بهشت برین است
باد به من ده که سلسبیل همین است

علامه غروی:

چو غمت سرِ سویدای مرا رازی نیست
لیک دم بسته زبان را سرِ غمّازی نیست

صائب تبریزی:

در بیابان جنون سلسله پردازی نیست
روزگاری است در این دایره آوازی نیست

علامه غروی:

که دهد مرا نشانی ز توای نگار جانی
که نشان هر نشانی است نشانِ بی نشانی

سعدی:

نه طریقِ دوستان است و نه شرطِ مهربانی
که به دوستانِ یکدل، سر و دست برِ فِشانی

علامه غروی:

بخت شود یار، یار اگر بگذارد
یا فلکِ گجمدار اگر بگذارد

فروغی بسطامی:

مُهره توان بُرد، ماراگر بگذارد غنچه توان چید، خاراگر بگذارد

البته عَمّان سامانی نیز غزلی بر این نمط دارد که از ابیات آن است:

بانگ مؤذن مرا کِشد سوی مسجد نالهٔ جانسوزِ تار اگر بگذارد

علامه غروی:

آبرومندم به عشق روی تو سرفرازم در هوای کوی تو

... رفرفم را تا به او آدنی رساند «قَابِ قَوْسینِ» خم ابروی تو

خواجوی کرمانی:

ای چراغ دیدهٔ جان روی تو حلقهٔ سودای دل، گیسوی تو

... هرکه را بامی پرستانِ سرخوش است خوش بود، پیوسته چون ابروی تو

نگاه دینی و استفادهٔ عناصر و مفاهیم مذهبی از مشخصه‌های اصلی شعر علامه

است که فی‌المثل در ابیات فوق، این نگاه را می‌توان در تشبیه ابروی یار، با شعر

خواجو مقایسه کرد.

انوری ابیوردی نیز غزلی شبیه این دو غزل دارد با مطلع:

تُرک من ای من سگِ هندوی تو دورم از رویِ تو، دور از رویِ تو

اما در مورد قصاید نیز می‌توان شباهتهایی را بین اشعار علامه غروی اصفهانی

با آثار شعرای نامدار پارسی یافت که به ذکر چند نمونه مطلع بر سبیل مقایسه، اکتفا

می‌کنیم و خوانندگان را به مطالعهٔ صورت کامل این قصاید، تشویق:

علامه غروی:

باز کمندی فکند جعد مجعد آهوی طبع مرا کرد مقید

(در مدح امام حسن عسکری علیه السلام)

و منوچهری دامغانی قصیده‌سرای معروف سبک خراسانی در قصیده‌ای در

وصف بهار می آورد:

وقت بهار است و وقتِ وردِ موردِ گیتی آراسته چو خُلد مُخلّد

علامه غروی:

همره باد صبا نافه مشکین ختن است

یا نسیم چمن و بوی گل و یاسمن است

فروغی بسطامی: (غزل)

همه جا جلوه آن صاحب وجه حسن است

همه کس بسته آن زلف شکن بر شکن است

علامه غروی در مدح امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف:

دلبرِ دستِ امید من و دامان شما سرِ ما و قدم سرو خرامان شما

محتشم کاشانی در مدح امام رضا علیه السلام: (ترکیب بند)

ای به شغل جرم بخشی، گرم دیوان شما

مغفرت را گوش بخشایش به فرمان شما

در قصیده ای علامه غروی در مدح امام رضا علیه السلام می سراید:

دل فسرده من همچو طالع منحوس

چنان نخفته که خیزد ز جا به بانگ خروس

که به دلیل قوافی خاص و شکل آن به غزل مولانا مانده است، با این مطلع:

نیم شب از عشق تا دانی چه می گوید خروس؟

خیز شب را زنده دار و روز روشن نستکوس

علامه غروی در قصیده ای در منقبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آورده:

ای حریمت کعبه توحید را رکن یمان آستان مستجار است و درت دارالامان

عبید زاکانی در قرن هشتم در ترکیب بندی سروده است:

ای سریر سلطنت را تیغ و کلکت قهرمان

وی همای همّت را اوج کیوان، آشیان

علامه غروی:

مجلس صفا ندارد بی یار مجلس آرا

برهم زنید یاران این بزم بی صفا را

حافظ (غزل):

دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را

علامه غروی: (در منقبت امام سجاد علیه السلام)

تن بود رنجور آن رنجور یار نازنین

دل بود بیمار آن بیمار عشق مه جبین

محتشم کاشانی (ترجیع بند) در مقام امام رضا علیه السلام:

خسرو صاحب‌قران شاهنشاه نصرت قرین

داور دارا نشان فرمانده مسند نشین

اشعار محتشم، تأثیر فراوانی بر آثار علامه داشته است چرا که محتشم دغدغه‌ای

از جنس دغدغه علامه غروی دارد؛ یعنی به کارگیری شعرو هنر در جهت تبلیغ و

توصیف مقام والای خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام. مثلاً در ترجیع بندی که علامه

غروی در میلاد امام علی علیه السلام سروده، بند ششم نشانه‌هایی از این تأثیر را نمایان

می‌سازد:

گلشن خلد برین شد عرصه بیت الحرام

تا خرامان گشت دروی تازه سروی خوشخرام

محتشم نیز در قصیده‌ای در منقبت مولای متقیان می‌آورد:

ای نثار شام گیسویت خراج مصر و شام

هندوی خال تو را صد یوسف مصری غلام

بند دوم ترجیع بند علامه غروی با این بیت آغاز می‌شود:

کعبه چون گوی سبق از سینه سینا گرفت پایه برتر از فراز گنبد مینا گرفت

که شباهت زیادی با قصیده فروغی بسطامی دارد با این مطلع:

عید مولود علی را تا شه والا گرفت عقل کل گفتا که کار دین حق بالا گرفت

ترجیع بند زیبایی «مفتقر» در مدح حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز ظاهراً در استقبال از

ترکیب بنده معروف جمال الدین عبدالرزاق سروده شده که با این مطلع آغاز می‌شود و

آن هم در نعت حضرت خاتم الانبیاء است:

ای از بر سدره شاهره است وی قُبَّه عرش، تکیه گاهت

ویژگیهای طبع حاضر:

به طور خلاصه آنچه را که این قلم ناتوان و این اندیشه پریشان، به شیوه فضولی و به امید قبولی در این چاپ به رشته تصحیح درآورده، می‌توان چنین ذکر کرد:

- آوانگاری و سجاوندی و اعراب گذاری واژه‌ها به منظور تسهیل خوانش اشعار برای مخاطب و نیز تصحیح نوشتاری اشعار بر اساس رسم الخط جدید فارسی و امروزی کردن برخی واژه‌ها (مثلاً تبدیل «چه» به معنای مثل و مانند به «چو»).

- ذکر معانی متناسب، ساده و امروزی ترکیبات و واژگان دشوار شعرها به صورت پاورقی و نیز توضیحات اضافی برای برخی واژه‌ها و مفاهیم ابیات حسب ضرورت. ضمن اینکه واژه‌نامه‌ای مستقل در انتهای کتاب برای جلوگیری از تکرار معانی واژه‌ها در پاورقی صفحات، گردآوری شده است.

- ترجمه اشعار و عبارات عربی به فارسی به گونه‌ای که حتی الامکان به معنای اصلی خدشه وارد نشود (زیرا زبان و ساختار شعری قابل ترجمه نیست). نیز اشارات قرآنی با ذکر نام مبارک سوره و آیه در پاورقی صفحات.

- ذکر نوع قالب شعری در عنوان هر شعر (البته قالب قصیده یا غزل را در بعضی از اشعار

این دیوان، نمی‌توان دقیقاً تعیین نمود؛ چرا که بسیاری از اشعار از لحاظ ساختار به قصیده شباهت دارند ولی از لحاظ تعداد ابیات به غزل و همچنین بالعکس.)
- در برخی موارد به دلیل نارسایی وزنی و یا جاافتادگی کلمات در چاپهای پیشین، ناگزیر از اضافه کردن یا تغییر دادن واژه‌ها شدیم و البته سعی گردید تا به معنای شعر لطمه‌ای نخورد.

در پایان پس از حمد و سپاس خدای تعالی جهت توفیق این عمل، تقدیر و تشکر فروتنانه، وظیفتی است بر گرده این حقیر از آنانی که همتشان در این مدت طولانی بدرقه این راه بود؛ به خصوص دوست و برادر ارجمند جناب آقای محمدمقداد عطائی که کار آماده سازی متن اولیه، مطابقت نسخ، غلط‌گیری و ویراستاری این دیوان را انجام داد و همچنین تهیه معانی واژه‌ها و ترکیبات از کتب مراجع و لغت را بر عهده گرفت و بدون پیگیری و زحمات ایشان این آغاز به انجام نمی‌رسید.

در این تحقیق از دو نسخه چاپ شده این دیوان بیش از دیگران استفاده شده است:

۱- «دیوان کامل کمپانی»، با مقدمه سید مهدی حسینی لاجوردی و به تصحیح محمدعلی مجاهدی، مؤسسه مطبوعاتی حق بین، قم، ۱۳۴۸ شمسی.

۲- «دیوان مفتقر»، به کوشش سعید هندی، نشر آفاق، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ شمسی.
و نیز از لغت نامه دهخدا، فرهنگ معین، فرهنگ عمید، کتاب شعر کهن فارسی تألیف دکتر حسین رزمجو، منتهی الآمال مرحوم شیخ عباس قمی و منابع بسیار دیگر به فراخور حال استفاده گردیده است.

از صاحب نظران ادیب و خوانندگان ادب دوست نیز، ضمن عرض عریضه شرم به واسطه جولان کودکانه‌ام در این عرصه سیمرغ، خواستارم تا با نظرات و انتقادات خویش ما را در رفع نقایص و معایب، یاری رسانند.

بنده کمتین- عباس احمدی

ویرایش جدید

خرداد ماه ۱۳۹۴